

حوادث کوتاه

قتل با ضربات آجر

پدر ۶۸ ساله در درگیری لفظی با دخترش با ضربات آجر دست به قتل دخترش زد. سردار جمال سلمانی رئیس پلیس استان ایلام، گفت: در پی اعلام خبری به پلیس ۱۱۰ مبنی بر قتل در یکی از محله‌های شهر ایلام، بلافاصله مأموران جهت بررسی موضوع به محل حادثه اعزام شدند. وی افزود: مأموران با حضور در محل با پیکر خون‌آلود و بی‌جان دختری که از ناحیه سر و گردن بشدت دچار جراحت شده بود روبرو شدند که توسط عوامل امدادی به بیمارستان اعزام ولی به دلیل شدت جراحات وارده و وخامت حال به کام مرگ فرو رفت. سردار سلمانی تصریح کرد: با بررسی مأموران مشخص شد پدر ۶۸ ساله، دختر خود را با ضربات آجر به قتل رسانده که بدون مقاومت خاصی دستگیر شد. وی با بیان اینکه مهم در تحقیقات انجام شده انگیزه خود را درگیری لفظی و عدم کنترل خشم و اختلاف خانوادگی عنوان کرد، بیان کرد: متهم پس از تشکیل پرونده جهت سپر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شد. سردار سلمانی تصریح کرد: شهروندان در هنگام اختلافات و درگیری خونسردی خود را حفظ کرده و قانونمندان عمل کنند؛ زیرا وقوع چنین حوادثی موجب ضرر و زیان مادی و معنوی جبران‌ناپذیری خواهد بود.

سرقت عاشقانه دختر جوان

دختر جوان بخاطر خرید موتور و ماشین برای پسر مورد علاقه‌اش دست به سرقت طلا از خانه‌اش زد. سرهنگ محمد قاسم طهرانی، فرمانده انتظامی شهرستان ری گفت: ساعت ۸ صبح جمعه ۱۲ خرداد ماه سال جاری خانواده‌ای به کالانتری ۱۷۳ امین آباد مراجعه و اظهار داشتند: حدود ۸۰ گرم طلا از خانه‌شان به طور نامولومی به سرقت رفته است که تقاضای شکایت و رسیدگی به پرونده را دارند. وی افزود: تحقیقات پلیسی توسط عوامل عملیات کالانتری از همان لحظه آغاز شد که پس از بررسی صحنه مأموران هیچگونه تخریب قفل یا در و عاملی که باعث نفوذ به خانه شده باشد، مشاهده نکردند که همین موضوع باعث مشکوک شدن پلیس به افراد خانواده شد. این مقام انتظامی ادامه داد: مأموران تحقیقات تخصصی خود را ادامه دادند و مشخص شد در چند هفته گذشته یک خانم از بستگان‌شان به منزل مراجعه و چند مرتبه به اتاق‌ها تردد داشته است. فرمانده انتظامی شهرستان ری در ادامه ابراز داشت: مأموران پلیس پس از پی‌جویی و وجود سرخ‌های به دست آمده سارق را پس از انجام هماهنگی‌های لازم، در کمتر از ۱۰ ساعت در منزل خود دستگیر و به کالانتری منتقل کردند. سرهنگ طهرانی بیان کرد: بلافاصله تحقیقات از متهم آغاز شد و متهم جدا از سرقت طلا از منزل شاکا پرونده به ۳ فقره سرقت طلا از دیگر منازل خویشاوندان اعتراض کرد و اظهار داشت، من هیچگونه مشکل مالی نداشته و فقط برای خرید موتورسیکلت و خودرو برای پسر مورد علاقه‌ام دست به این کار زدم و الان احساس ندامت و پشیمانی دارم.

وردنویسی میلیاردی یک مرد برای دختران دم بخت

مرد شیاد با وعده ازدواج و کارپایی، بیش از ۲ میلیارد تومان در زاهدان به حبیب زد. سردار دوستعلی جلیلیان، فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان گفت: در پی دریافت خبری مبنی بر چند فقره کلاهبرداری در شهرستان زاهدان از شهروندان، موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی در ادامه افزود: این کلاهبردار حرفه‌ای که در شهرستان زاهدان با رمالی و دعانویسی از مردم کلاهبرداری می‌کرد با ادعای ازدواج و کارپایی از شهروندان، مبالغ زیاد، طلا و زیورات دریافت کرده؛ سپس به مکانی نامعلوم متواری می‌شد. سردار جلیلیان خاطرنشان کرد: سرانجام پس از چند روز تحقیقات و تلاش شبانه‌روزی پلیس مخفیگاه این کلاهبردار را در یکی از روستاهای شهرستان شناسایی کرد و متهم در یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه دستگیر شد.

آتش افروزی

خواستگار کینه جو

پسر جوانی که دو بار در خواستگاری جواب منفی شنیده بود، دختر مورد علاقه‌اش را به آتش کشید. او با ریختن بنزین بر سر یک دختر جوان مقابل دفاتر پیشخوان دولت او را آتش زد. میزان سوختگی دختر به حدی زیاد بود که عوامل اورژانس مجبور شدند او را به سرعت از قیدار به بیمارستان آیت‌الله موسوی زنجان منتقل کنند. پسر جوانی که دست به این اقدام هولناک زده، قبل از تعطیلی محل کار دختری، با موتورسیکلت و ظرف حاوی بنزین در انتظار خروج او مانده و با بیرون آمدن دختر، نزدیک او شده و با ریختن بنزین روی او، این حادثه دلخراش را رقم زده است.

راز ۲ قتل مسلحانه در دعوی اوباش ورامینی فاش شد

انتقام مخوف

از قاتلان گوش‌بریده

به دنبال اعتراف‌های مرد شرور، ۱۸ متهم دیگر ردیابی و بازداشت شدند و به درگیری خونین اعتراف کردند.

اعتراف دروغین

اما جواد بعد از مدتی اعترافش را پس گرفت و منکر شلیک شبانه شد.

وی گفت: یکی از دوستانم به نام شهاب که ساکن ورامین است آن شب دست به شلیک زد. اما من به خاطر مرام و معرفت قتل را نکردم.

این در حالی بود که دوربین‌های مداربسته میدان شهر، صحنه شلیک مرگبار را ضبط کرده بود.

با به دست آمدن همین فیلم پرونده جواد به اتهام محاربه به دادگاه انقلاب فرستاده شد تا به جرم اوسیدگی شود.

پرونده قتل پیمان نیز برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. برای جواد به اتهام مباشرت در قتل و برای ۱۸ نوجوه‌اش به اتهام معاونت در جنایت و کمک در فراری دادن وی کیفرخواست صادر شد و آنها در شعبه هفتم دادگاه کیفری استان تهران از خود دفاع کردند.

گوش‌های بریده جسد

جسد پیمان که با شلیک ۲ گلوله و ضربه‌های متعدد قه از پای درآمده و گوشش بریده شده بود به پزشکی قانونی منتقل شد و پلیس به پیگیری ماجرا پرداخت.

پلیس وارد عمل شد

در بررسی‌های پلیسی مشخص شد در این درگیری مرگبار ۲ نفر از دوستان پیمان نیز زخمی شده‌اند که همراه دوستان‌شان به بیمارستان منتقل شده بودند.

سیاوش و دنایل که در بیمارستان تحت درمان قرار گرفته بودند، خیلی زود شناسایی شدند و گفتند دوست‌شان پیمان در درگیری با یکی از اوباش‌های ورامینی و نوجوه‌هایش که آن شب نقاب به‌صورت داشته، کشته شده است.

بازداشت یک زن

پلیس در ادامه تحقیقات زن جوانی را که با قربانی جنایت رابطه تلفنی داشت ردیابی و بازداشت کرد و با اظهارات زن جوان، تحقیقات پلیسی وارد مرحله تازه‌ای شد.

زن جوان گفت: مدتی بود با پیمان در رابطه بودم اما یکی از دوستان او که اوباشی به نام جواد بود به من ابراز علاقه کرد و می‌خواست با من بیشتر آشنا شود. من چند بار تلفنی با او صحبت کردم. آخرین بار به من گفت قصد دارد همراه دوستانش، پیمان را به میدان اصلی شهر بکشاند و او را با شلیک اسلحه کلاشنیکف بکشد.

اعتراف به جنایت در میدان شهر

با اظهارات زن جوان، جواد ۲۶ ساله ردیابی و بازداشت شد و به شلیک خونین با همدستی ۱۸ نوجوه‌اش اعتراف کرد.

وی گفت: خانواده من و خانواده پیمان از سال‌ها قبل بر سر یک زمین یا هم‌اختلاف داشتند. اختلاف خانواده‌هایمان باعث شده بود من و پیمان چند بار در اینستاگرام با هم کل کل کنیم. آخرین بار وقتی پیمان در لایو اینستاگرام به من فحاشی کرد در خانه دوستم نقشه قتل او را کشیدم. من از نوجوه‌هایم خواستم تا برایم اسلحه کلاشنیکف تهیه کنند.

جواد که چندین سابقه کیفری در پرونده‌اش دارد، اما می‌دانستم آن شب پیمان قصد دارد به نمایشگاه خودروی دوستش برود. به همین خاطر شبانه به آنجا رفتم. نوجوه‌هایم که همگی جاقو و قه‌داشته به پیمان و دوستانش حمله‌ور شدند و من با اسلحه کلاشنیکف به آنها شلیک کردم. سپس دوستانم گوش او را بردند و ماشین آنها را آتش زدند و ما فرار کردیم.

دادگاه دومین قتل

در جلسه رسیدگی به پرونده

قتل جاوید نیز که در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان

تهران برگزار شد، اوباشی دم

درخواست قصاص را مطرح کردند.

سپس جواد در جایگاه ویژه ایستاد. وی گفت: من به خاطر مرامم قتل را نکردم. من آن شب کلاشنیکف در دست نداشتم و شهاب دست به شلیک زد.

دومین جنایت در ورامین

در حالی که کمتر از یک سال از جنایت گذشته و تحقیقات دادگاه برای افشای حقیقت ادامه داشت در شامگاه ۱۲ خرداد ماه سال ۹۹ صدای شلیک‌های

پیایی در خیابان رسالت ورامین پیچید و برادر جواد سوار بر پریشایی نقره‌ای مقابل خانه پدری‌اش هدف شلیک خونین قرار گرفت و در خون غلتید. وی بلافاصله از سوی پدرش به بیمارستان منتقل شد اما به خاطر شدت خونریزی جان سپرد. پدر جواد به مأموران گفت: پسرم قبل از مرگش دو نفر از دوستانش به نام‌های امید و وحید را به‌عنوان عامل جنایت معرفی کرد. پسر دیگر به نام جواد به اتهام قتل دوستش پیمان در زندان است و دوستان پیمان، امید و وحید نام دارند. شک ندارم آنها به تلافی خون دوست‌شان به پسرم شلیک کرده‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.

امید همچنین مدعی شد ساعت ۲ نیمه شب که به جاوید شلیک شده‌وی مقابل در خانه‌شان در حال سیگار کشیدن بوده است که فیلم دوربین بدین ترتیب جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و امید و وحید که از دوستان صمیمی پیمان بودند، بازداشت شدند اما اعدا کردند دستی در کشتن جاوید نداشته‌اند.



دومین جنایت آغاز شده بود در فضای مجازی استوری‌هایی دست به دست می‌شد که نشان می‌داد عاملان این جنایت در تلاقی خون پیمان دست به این قتل زده‌اند و به این جنایت افتخار می‌کنند.

با افشای این ماجرا، پلیس که می‌دانست دوستان صمیمی پیمان در این جنایت کینه‌جویانه دست دارند چند نفر از آنها را بازداشت کرد. سرانجام یکی از آنها به نام بدرام لب به اعتراف گشود و به طراحی نقشه جنایت از سوی دوستانش اعتراف کرد.

نصب ردیاب روی خودروی قربانی

وی گفت: می‌دانستیم عاملان قتل پیمان در زندان جنایت را کردند یک‌دیگر می‌اندازند تا آن مجازات در امان باشند. به همین خاطر خودمان تصمیم گرفتیم برادر جواد را بکشیم تا خون پیمان پایمال نشود. من به همراه امید و وحید و مصطفی در باغ نشسته بودیم که چنین تصمیمی را گرفتیم. ما روی ماشین جاوید ردیاب نصب کردیم تا بدانیم کجا می‌رود.

کشاندیم. سپس امید با کلاشنیکف به جاوید شلیک کرد. و ماشینی‌اش را به رگبار بست. سپس بلافاصله وحید او را سوار پریشا سفید کرد و مقابل خانه‌اش برد. امید در برابر دوربین مداربسته سیگار کشید تا پلیس مدرکی علیه‌وی پیدا نکند و بگوید در زمان وقوع جنایت مقابل خانه‌اش بوده است. سپس من و مصطفی ردیاب و اسلحه را به دامتاری‌ای در محله ورامین بردیم و آنجا آتش زدیم.

به دنبال اظهارات بدرام، ۳ متهم دیگر بازداشت شدند و به قتل اعتراف کردند.

امید ۲۹ ساله گفت: من و دوستانم برای تلاقی نقشه قتل برادر جواد را کشیدیم. وحید روی ماشین جاوید ردیاب نصب کرد تا بدانیم کی مقابل خانه پدری‌اش می‌رسد. وحید پلاک ماشینی‌اش را پوشاند و من صندلی‌اش را گزافه‌ای بردم و روی آن پشهان شدم. بدین ترتیب وقتی جاوید رسید به سمت او شلیک کردم. باور کنید قصد قتل او را نداشتم و فقط می‌خواستیم به پایش شلیک کنیم و او را بترسانیم. اما اسلحه گیر کرد. من در حال درست کردن آن بودم که چند تیر شلیک شد و به جاوید برخورد کرد. همان موقع وحید مرا مقابل خانه‌ام رساند و بدرام و مصطفی آثار جرم را از بین بردند. همچنین دو متهم دیگر نیز به همدستی در قتل کینه‌جویانه اعتراف کردند.

ادامه تحقیقات درباره اولین قتل

در حالی که تحقیقات بیشتر پلیس ادامه داشت جواد که در زندان بود، گفت:

بعد از کشته شدن پیمان، دوستان او به تلاقی برادر بزرگ مرا با شلیک گلوله مقابل خانه پدری‌ام در ورامین کشتند. من دروغ نمی‌گویم و قاتل پیمان نیستم. شهاب عامل قتل است.

با اعتراض متهمان دو پرونده به حکم صادره، پرونده در دیوان عالی کشور باز دیگر تحت رسیدگی راه کردن گرفت.

وی گفت: مدتی قبل برای کار به همراه صافکاری رفتم و یک هفته آنجا کار کردم اما صاحبکارم مرا اخراج کرد؛ چون می‌دانستم شب‌ها ۲ کارگر دیگر به همراه پسر ۱۵ ساله آنجا می‌مانند و صاحب کارگاه نیز در گاوصندوق پول می‌گذارد، همراه دوستانم شبانه به آنجا رفتم. ما با تهدید جاقو دست و پیای کارگرها را بستیم و از گاوصندوق ۲۰۰ میلیون تومان پول برداشتیم.

وی ادامه داد: موقع بازگشت وقتی چشمم به پسر ۱۵ ساله افتاد و سوسه شیطانی سراغم آمد. من او را از یاد و دوستم از ما فیلم گرفت. ما تهدید کردیم اگر در این باره به کسی چیزی بزند یا از ما شکایت کنند فیلم را بپخش می‌کنیم و آبروی‌ش را می‌بریم.

با اعتراضات پسر شیطان صفت، همدستش نیز ردیابی و بازداشت شد. پرونده آنها با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا بزودی به جرم آنها رسیدگی شود این در حالی است که پسر ۱۵ ساله برای عامل جنایت سیاه اعدام خواسته است.

وسوسه شیطانی یک دزد

سارق شیطان صفت سعی داشت خودش را بیگانه نشان دهد اما در مواجهه حضوری با پسر نوجوان جرم سپاهش را کرد گرفت.

وی گفت: مدتی قبل برای کار به همراه صافکاری رفتم و یک هفته آنجا کار کردم اما صاحبکارم مرا اخراج کرد؛ چون می‌دانستم شب‌ها ۲ کارگر دیگر به همراه پسر ۱۵ ساله آنجا می‌مانند و صاحب کارگاه نیز در گاوصندوق پول می‌گذارد، همراه دوستانم شبانه به آنجا رفتم. ما با تهدید جاقو دست و پیای کارگرها را بستیم و از گاوصندوق ۲۰۰ میلیون تومان پول برداشتیم.

وی ادامه داد: موقع بازگشت وقتی چشمم به پسر ۱۵ ساله افتاد و سوسه شیطانی سراغم آمد. من او را از یاد و دوستم از ما فیلم گرفت. ما تهدید کردیم اگر در این باره به کسی چیزی بزند یا از ما شکایت کنند فیلم را بپخش می‌کنیم و آبروی‌ش را می‌بریم.

با اعتراضات پسر شیطان صفت، همدستش نیز ردیابی و بازداشت شد. پرونده آنها با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا بزودی به جرم آنها رسیدگی شود این در حالی است که پسر ۱۵ ساله برای عامل جنایت سیاه اعدام خواسته است.

۱۵ ساله را وحشیانه آزار داده است. من کارگر نوجوانم را به بیمارستان منتقل کردم و حالا تحت درمان قرار دارد. حالا آمده‌ام تا از ۲ دزد ناشناس شکایت کنم.

با شکایت صاحب کارگاه، مأموران به بررسی فیلم‌های دوربین مداربسته پرداختند و از پسر نوجوان و ۲ کارگر دیگر تحقیق کردند. یکی از آنها گفت: ساعت نزدیک به ۲ نیمه شب بود و ما خواب بودیم که ناگهان متوجه شدیم ۲ نفر ناقدار وارد کارگاه شدند. آنها جوب و جاقو در دست داشتند و با تهدید دست و پای ما را بستند و سراغ گاوصندوق رفتند. یکی از آنها موقع خروج به سراغ کیوان رفت و او را آزار داد.

و دوستش از آنها فیلم گرفت. صدای یکی از مردان مهاجم برایم آشنا بود و گمان می‌کنم قبلاً او را دیده بودم.

کیوان نیز گفت: من مردی را که آزارم داد می‌شناسم. او کارگر اخراجی همین کارگاه است. اما تهدیدم کرده اگر به کسی حرفی بزنم آبروی‌م را می‌برد.

بازداشت شیطان

در تحقیقات بعدی مأموران دریافتند یکی از مردان مهاجم به احتمال زیاد کارگر اخراجی کارگاه بوده است. به این ترتیب مهران ۲۹ ساله که به تازگی از کارگاه اخراج شده بود بازداشت شد.

کارگر اخراجی پس از سرقت میلیونی از کارگاه صافکاری با بستن دست و پاهای ۲ کارگر دیگر به سراغ پسر ۱۵ ساله رفت و وساروی‌ی یک اقدام شیطانی را به اجرا گذاشت.

سرقت شبانه از کارگاه صافکاری

به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از یک سال قبل با شکایت صاحب یک کارگاه صافکاری در سه راه آزمایش آغاز شد.

مرد جوان که به پلیس آگاهی رفته بود، گفت: من سال‌هاست یک کارگاه صافکاری در سه راه آزمایش دارم.

۳ مرد در کارگاهم کار می‌کنند و شب‌ها را هم همان جا می‌مانند. امروز صبح وقتی به کارگاه رفتم با صحنه عجیبی روبرو رو شدم. دست و پای ۲ کارگرم با طناب بسته شده بود و کارگر ۱۵ ساله‌ام حال خوبی نداشت. من وقتی دست و پای آنها را باز کردم متوجه شدم شبانه ۲ مرد به کارگاه آمده‌اند، دست و پای آنها را بسته و کارگر ۱۵ ساله‌ام را آزار داده‌اند.

وی ادامه داد: کارگر ۱۵ ساله‌ام به نام کیوان در این باره به من حرفی نزد. او سکوت کرده و چیزی نمی‌گوید؛ اما من وقتی دوربین مداربسته کارگاه را بررسی کردم متوجه شدم یکی از مردان ناشناس پس از بستن دست و پای کارگرها و سرقت ۲۰۰ میلیون تومانی که در گاوصندوق کارگاه بود، پسر

